

## خلاصه گزارش

افغانستان در سال ۲۰۱۴: - سروی مردم افغانستان - دهمین نظر سنجی عامه سالانه ایشیافونديشن در افغانستان است.

این سروی به مثابه دیرینه ترین و وسیع ترین سروی افکار و نظریات افغانها، توانسته است از سال ۲۰۰۴ تا حال نظریات بیش از ۶۵۵۵۸ افغان ها را پیرامون موضوعات مختلف ذی اهمیت برای رشد و انکشاف کشور جمع آوری نماید. سروی مذکور از این جهت که یک سروی گسترده و دراز مدت بوده و طی مدت زمان طولانی گرایش های افراد را در ارتباط با موضوعاتی که بصورت همسان در محراق توجه افغانها و جامعه جهانی قرار دارند به سنجش گرفته است، جایگاه خود را به حیث یک سروی بی مانند تثبیت نموده است.

وضعیت عمومی کشور در سال جاری نوعی "خوشبینی محتاطانه" را میرساند که بازتاب دهنده موجودیت بیم و امید در سراسر کشور است. در سال ۲۰۱۴ باز هم قشر عظیمی از مردم افغانستان بیشتر از ناحیه ناامنی، فساد و بیکاری نگرانی دارند. سروی امسال نظریات ۹۲۷۱ شهروند افغان، به شمول ۵۰،۱٪ پاسخ دهنده گان طبقه ذکور و ۴۹،۹٪ اناث متعلق به ۱۴ قوم مختلف در ۳۴ ولایت کشور را جمع آوری نموده است.

کار فزیک سروی از تاریخ ۲۲ جون الی ۸ جولای سال ۲۰۱۴، پس از سپری شدن دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان انجام یافت. سروی مذکور توسط ۹۰۹ تن از مصاحبه کننده گان با تجربه افغان (۴۷۴ تن از طبقه ذکور و ۴۳۵ تن از طبقه اناث) که در سراسر کشور توزیف گردیده بودند، اجرا گردید. در مورد نتایج این سروی می توان گفت که این نتایج از تمام اتباع کشور نماینده گی میکنند زیرا در آن از ارقام ارائه شده توسط ریاست احصائیه مرکزی در مورد توزیع نفوس در ولایات، اعم از شهر ها و دهات، استفاده شده است. در این دور سروی ظریب خطا در سطح اطمینان ۹۵٪ در صورتی که  $P=,05$  قبول شود و "تاثیر دیزاین" برای نمونه احتمالات ۲,۱۷ باشد، عبارت از ۱,۵٪ +/- است.

کار ساحوی سروی توسط مؤسسه اکسور، همکار تحقیقی دراز مدت ایشیافونديشن، بر مبنای اطلاعات ارائه شده از نفوس کشور از جانب ریاست احصائیه مرکزی افغانستان صورت گرفت و نظارت بمنظور کنترول کیفیت پروسه توسط یک مرجع سومی مستقل موسوم به سیاره انجام یافت. به همین سان، مؤسسه تحقیقاتی یوریکا بخش تحقیقات کیفی سروی را با استفاده از ۱۲۵ مصاحبه تفصیلی در پنج ولایت انجام داد (این بخش جدیداً امسال به کار برده شد). ایشیافونديشن و شرکای سروی آن همه با هم با تاسی از اصول معتبر بودن، قابل اعتماد بودن، به وقت بودن و کاملیت سروی را از نظر کیفیت کنترول می کنند.

سروی امسال حاوی یک سلسه سوالات جدید در مورد مسایلی مانند انتخابات سال ۲۰۱۴، مهاجرت ها، حقوق زنان، دسترسی به خدمات صحی و واکنش در برابر حوادث است. ایشیافونديشن اینبار هم تلاش نموده است تا در کنار یافته های سروی تحلیل احصائیه را نیز ارائه نماید تا از این طریق به مخاطبین خود نشان دهد که فکتور هایی نظیر جندر، جغرافیا، ملیت و سطح تحصیلی چگونه میتوانند در شکل دهی افکار و برداشت های افغانها از مسایل مختلف اثر گذار باشد. جزئیات شیوه و طریقه اجرای این سروی در ضمیمه (۱) این گزارش ارائه شده اند.

## وضعیت عمومی

- **مسیر حرکت کشور:** در سال ۲۰۱۴ حدود ۵۴,۷٪ افغانها می گویند که کشور در مسیر درست در حرکت است، که نسبت به ۵۷,۲٪ پاسخ دهنده گان که در سال ۲۰۱۳ به این نظر بودند کاهش را نشان می دهد؛ در عین حال ۴۰,۴٪ آنها می گویند که کشور در مسیر نادرست در حرکت است که نسبت به ۳۷,۹٪ که فیصدی حاصله از پاسخ سروی شده گان به عین سوال در سال ۲۰۱۳ بود کاهش را نشان می دهد. علی الرغم این تموج سالانه، گرایش دراز مدت از سال ۲۰۰۶ بدینسو نمایانگر افزایش تعداد کسانی است که باور دارند کشور در مسیر درست در حرکت است. در کل، سطح خوشبینی در سال ۲۰۱۴ در مناطق شرقی، جنوب شرقی و جنوب غربی نسبت به سایر حصص بلند تر است. از سال ۲۰۱۳ بدینطرف فیصدی افغانهای مقیم در مناطق شرقی و غربی کشور که باور دارند کشور در مسیر درست در حرکت است، افزایش یافته است. بیشترین کاهش در طول سال گذشته در فیصدی کسانی که میگویند کشور در مسیر درست در حرکت است در میان باشندگان منطقه مرکزی/ هزاره جات و جنوب غرب دیده می شود.
- **دلایل خوشبینی:** در پاسخ به این سؤال که چرا کشور در مسیر درست در حرکت است، افغانها به بازسازی (۳۶,۴٪) امنیت خوب (۳۲,۸٪)، بهبود در سیستم معارف (۱۵,۱٪)، حضور فعال اردوی ملی و پولیس ملی کشور (۱۰,۲٪) عمران اقتصادی (۸,۷٪) و دموکراسی/ انتخابات (۸,۷٪) اشاره کردند. از سال ۲۰۰۶ تا به حال از امنیت و بازسازی همواره به حیث دلایل عمده خوشبینی در مناطق مصئون تر یادآوری شده است. از دموکراسی/ انتخابات بگونه فزاینده به حیث دلیل خوشبینی یادآوری می شود که میزان آن نسبت به سال ۲۰۱۰ متعاقب انتخابات سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است.
- **دلایل بدبینی:** دلایل عمده اینکه چرا افغانها می گویند کشور در مسیر نادرست در حرکت است را نا امنی (۳۸,۸٪)، فساد (در مجموع و فساد اداری بصورت اخص) (۲۴,۲٪)، بی کاری (۲۲,۶٪)، اقتصاد خراب (۱۰,۲٪) و تقلب در انتخابات (۹,۴٪) تشکیل می دهند. از سال ۲۰۰۷ بدینطرف ناامنی به حیث عمده ترین دلیل بدبینی تذکر داده شده است و در تناسب با کسانی که نا امنی را به حیث دلیل بدبینی خود ارائه کرده اند بین سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ افزایش چشمگیری داشته است. همچنان تعداد افغانانی که در این مورد به بیکاری اشاره می کنند از سال ۲۰۰۶ بدینسو در بلند ترین سطح خود قرار دارد.
- **بزرگترین مشکلات افغانستان به سطح ملی،** نا امنی (۳۴,۰٪)، فساد (۲۸,۴٪)، بیکاری (۲۵,۷٪)، اقتصاد ضعیف (۱۰,۸٪)، و دسترسی به تعلیم و تربیه و بیسوادی (۷,۶٪) از بزرگترین مشکلات اشاره شده است. در حالیکه این لست در طول سالهای گذشته کم و بیش به حالت ثابت باقی مانده است، بزرگترین افزایش امسال در تعداد کسانی رخ داده است که می گویند نا امنی بزرگترین چالش است (۳۴,۰٪ در سال ۲۰۱۴ به مقایسه ۲۹,۸٪ در سال ۲۰۱۳). از ناامنی بیشتر از همه در مناطق غربی (۴۲,۰٪) و کمتر از همه در مناطق شمال شرقی (۲۴,۵٪) یاد آوری می شود.
- **بزرگترین مشکلات افغانستان: به سطح محلی.** بیکاری (۳۳,۱٪) بیشترین مشکل در سطح محلی اشاره شده است. خدمات در مرتبه دوم قرار میگیرد (۲۲,۵٪ مشکلات برق، ۱۷,۵٪ به مشکل سرک اشاره کردند، و ۱۶,۴٪ آب آشامیدنی گفتند) که به تعقیب آن موضوع امنیت (۱۴,۱٪)، تعلیم و تربیه (۱۱,۸٪) و مراقبت های صحی

(۱۱,۲٪). هر چند در این لست و ترتیب آن در طول هشت سال گذشته تغییر مهمی رخ نداده است، فیصدی افغانانی که به بیکاری اشاره دارند از ۲۶,۰٪ در سال ۲۰۰۹ به ۳۳,۱٪ در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. بیکاری عمده ترین مشکل به سطح محلی در تمام مناطق است به استثنای مناطق شرقی جاییکه کمبود برق (۳۴,۳٪) به مثابه بزرگ ترین مشکل گزارش داده شده است.

- **بزرگترین مشکلاتی که متوجه زنان اند:** افغانها در پاسخ به این سوال که بزرگترین مشکلات زنان در حال حاضر چیست، همواره تحصیل و بیسوادی (۲۳,۹٪)، نبود فرصت های کاری برای زنان (۱۴,۶٪)، خشونت خانواده گی (۱۱,۳٪)، ازدواج های اجباری و عدم پرداخت مهر (۷,۲٪) و عدم رعایت حقوق (۶,۲٪) را به حیث بزرگترین مشکلاتی که در حال حاضر زنان افغان با آنها مواجه اند، برمی شمارند. زنان به مقایسه مردان بیشتر از خشونت های خانواده گی، عدم رعایت حقوق شان و نبود فرصت های کاری به حیث بزرگترین مشکلات فراراه زنان افغان یاد آوری کردند.
- **اظهار خوشی:** رویهمرفته ۷۸,۶٪ افغانها می گویند که تا حدی ویا هم بسیار خوش اند، به شمول ۸۱,۲٪ مردان و ۷۵,۶٪ زنان.

#### امنیت

- در سال ۲۰۱۴ اکثریت افغانها (۶۵,۴٪) اظهار داشتند که همیشه، اکثراً ویا هم بعضی اوقات از بابت امنیت و مصئونیت خود یا خانواده شان هراس دارند. هراس از عدم مصئونیت از سال ۲۰۱۳ (۵۹,۰٪) افزایش یافته است و از سال ۲۰۰۶ بدینطرف ترس از عدم مصئونیت پیوسته سیر صعودی را پیموده است. ولایاتی که از آنها بلند ترین سطح هراس از مصئونیت شخصی گزارش شده است عبارتند از فاریاب (۹۲,۱٪)، وردگ (۸۹,۲٪)، فراه (۸۷,۵٪) و کندز (۸۷,۵٪). ولایاتی که باشندگان شان گفتند هیچگاهی ویا هم به ندرت احساس ترس می کنند شامل پنجشیر (۹۸,۵٪)، بدخشان (۸۱,۷٪) و بامیان (۷۴,۹٪) میباشند. حدود سه بر چهارم حصه افغانها می گویند که در صورت سفر از یک نقطه افغانستان به نقطه دیگر آن احساس ترس خواهند کرد (۷۶,۴٪). همچنان یک اکثریت واضح از اشتراک در تظاهرات صلح آمیز (۶۹,۴٪)، گرفتن پست های دولتی (۷۰,۸٪) و روبرو شدن با قوای خارجی (۷۶,۶٪) احساس ترس می کنند.
- افغانانی که می گویند امسال با خشونت ویا جرم روبرو شده اند (۱۵,۶٪) تمام پاسخ دهنده گان کسانی اند که نسبت به آنانی که با این پدیده ها روبرو نشده اند بیشتر از بابت مصئونیت شخصی شان احساس ترس می کنند. فیصدی افغانانی که گفتند با خشونت ویا جرم مواجه شده اند در ولایت لوگر بلند تر است (۳۹,۰٪) که به تعقیب آن ولایت های غور (۳۷,۵٪) و هلمند (۳۷,۰٪) قرار دارند. ولایاتی که کمترین تجربه مواجه شدن با خشونت ویا جرم از آنها گزارش شده است عبارت از پنجشیر (۱,۵٪)، بدخشان (۲,۳٪) و بامیان (۱,۰٪) اند.

- اکثریت افرادی که با خشونت یا جرم روبرو شده اند گفتند که آن را گزارش دادند (۶۹,۰%)، و رویهمرفته اکثریت افغانها (۵۸,۹%) بدین نظر اند که اگر جرمی را تجربه می کردند و آن را گزارش می دادند، تا حدی و یا هم بسیار مطمئن می بودند که مجرم به جزای اعمالش می رسد. این میزان اطمینان نسبت به آنچه در سال ۲۰۱۳ گزارش داده شده بود (۴۵,۸%) بلند تر است اما میزان اطمینان در طول پنج سال گذشته بسیار متفاوت بوده است. فیصدی افغانانی که با این نظر موافق اند که پولیس ملی افغان توانایی دستگیری مجرمین را دارند در طول سالیان اخیر افزایش یافته است، از ۷۰% در سال ۲۰۱۰ به ۸۲,۱% در سال ۲۰۱۴.
- در پاسخ به این سوال که کدام نیرو ها بیشتر مسوول تأمین امنیت در منطقه هستند، ۵۰,۴% افغانها از پولیس ملی افغان، ۲۴,۲% از اردوی ملی افغان و ۲۱,۷% از پولیس محلی افغان نام بردند. افغانان ساکن در شهر ها اغلب از پولیس ملی و افغانان مقیم دهات بیشتر از اردوی ملی و پولیس محلی یادآوری می کنند.
- اگر سطح اطمینان بصورت مجموعی در نظر گرفته شود، دیده خواهد شد که ۸۶,۵% افغانها بالای اردوی ملی افغانستان و ۷۳,۲% شان بالای پولیس ملی افغانستان اعتماد دارند. در کل برداشت مردم از اردوی ملی و پولیس ملی به مرور زمان بهتر شده است هرچند اردوی ملی از این نقطه نظر نسبت به پولیس ملی تا ایندم پیشی جسته است. با این حال، ۵۵,۷% افغانها هنوز هم به این باور اند که نیرو های امنیتی افغان (که اردوی ملی و پولیس ملی اجزای آن را تشکیل می دهند) جهت اجرای وظایف شان به صورت درست به کمک های خارجی نیازمند اند.
- تقریباً سه بر چهارم حصه افغانها (۷۲,۶%) می گویند که تلاش های مصالحه میان دولت افغانستان و گروه های مسلح مخالف می توانند مدد ثبات در کشور باشند. اعتماد بالای تلاش های مصالحه در ولایت های پنجشیر (۲۲,۳%)، دایکندی (۴۸,۰%)، بلخ (۵۶,۴%) و وردگ (۵۸,۳%) نسبت به سایر ولایات پائین تر است. برعکس این اعتماد در ولایت های جوزجان (۹۲,۸%)، بادغیس (۸۹,۱%) و ننگرهار (۸۷,۴%) در بلند ترین سطح قرار دارد. فیصدی بیشتر مردان (۷۶,۸%) نسبت به زنان (۶۸,۷%) باور دارند که مساعی برای آشتی می توانند منجر به تأمین ثبات در کشور شوند.
- از میان هر سه تن افغان یکتن شان (۳۲,۰%) می گویند که با گروه های مسلح مخالف حکومت همدردی زیاد (۶,۶%) و یا کم (۲۵,۴%) دارند. افغانها در مناطق شرق، جنوب شرق و جنوب غرب بیشتر از سایر نقاط با گروه های مسلح مخالف همدردی دارند. فیصدی بلند تری از مردان (۳۴,۸%) نسبت به زنان (۲۹,۵%) تا حدی با مخالفین مسلح دولت اظهار همدردی می کنند. باشنده گان مناطق روستایی (۳۵,۰%) نسبت به شهر نشینان (۲۲,۴%) بیشتر با مخالفین مسلح همدردی دارند. مردانی که در مناطق بسیار نا امن با آنها مصاحبه های توفقی صورت گرفتند، سطح بلند تری از همدردی را ابراز داشتند: ۱۴,۷% می گویند که با مخالفین مسلح دولت بسیار همدردی دارند و ۳۵,۴% شان می گویند که با آنها تا حدودی همدردی دارند.

## رشد اقتصادی و فرصت های کاری

- بیشتر از یک ثلث افغانها (۳۹,۶%) می گویند که وضعیت اقتصادی شان سال گذشته نسبت به سال جاری بهتر بود این در حالیست که ۳۶,۹% شان اظهار داشتند که در وضعیت اقتصادی شان نسبت به سال گذشته تغییری رونما نگردیده است. فیصدی افغانهایی که می گویند وضعیت اقتصادی شان در طول سال گذشته بهبود یافته است ۲۱,۵% فیصد است.
- برای نخستین بار در سال جاری مسئله مهاجرت نیز در سروری جایگزین گردید. تقریباً چهارم حصه افغانها (۲۲,۳%) می گویند که در طول ۲۳ سال گذشته (یعنی پس از سقوط حکومت داکتر نجیب الله) افغانستان را ترک کرده اند، در حالیکه ۱۴,۵% می گویند که از یک ولایت به ولایت دیگر نقل مکان کردند. هر چند بزرگترین دلایل ترک کشور یا ولایت به گفته پاسخ دهنده گان جنگ و نا امنی بود اما مشکلات اقتصادی نیز به قول آنها در این زمینه اثر گذار بوده است. از میان کسانی که کشور را ترک نموده بودند ۲۷,۰% شان می گویند که به سبب مشکلات اقتصادی یا بیکاری مجبور به این کار شدند و از جمله بیجا شده گان داخلی فیصدی بیشتر شان (۳۸,۸%) بنابر دلایل اقتصادی و کاریابی از یک ولایت به ولایت دیگر کوچ کرده اند.
- در بخش میزان گزارشدهی از بی کاری، فیصدی افغانهایی که می گویند در حال حاضر بی کار و در جستجوی کار اند از ۶,۶% در سال ۲۰۱۳ به ۱۰,۷% در سال ۲۰۱۴ افزایش قابل توجه یافته است. بیکاری مردان، از قول خودشان، از ۲۵,۵% در سال ۲۰۰۹ به ۱۰,۰% در سال ۲۰۱۴ سقوط نموده است، در حالیکه نظر به گزارشات زنان سطح بیکاری آنها از ۰,۱% در سال ۲۰۰۹ به ۱۱,۳% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. از آنجائیکه فیصدی زنانی که می گویند صاحب کار هستند ثابت باقی مانده است، این افزایش در میزان بیکاری احتمالاً به معنای افزایش بیکاری در میان طبقه اناث نبوده بلکه نمایانگر افزایش علاقمندی زنان برای پیوستن به قوای کار می باشد.
- با گذشت زمان فیصدی افغانهایی که می گویند اعضای اناث خانواده شان در عایدات خانواده گی شان سهم دارند از ۱۳,۹% در سال ۲۰۰۹ به ۲۲,۴% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. فیصدی خانواده هایی که در آنها زنان در عایدات خانواده گی نقش دارند از یک ولایت تا ولایت دیگر تفاوت فاحش دارد، چنانچه پائین ترین میزان آن در خوست (۱,۱%) و بلند ترین میزان آن در نورستان (۶۳,۷%) به ثبت رسیده است.
- عاید میانگین ماهانه خانواده ها طبق گزارشات ۱۰۸۳۹ افغانی (معادل ۱۹۰ دالر امریکایی) است؛ از این میان افغانان مقیم روستاها عاید خانواده گی کمتری را گزارش داده اند که ۹۷۰۱ افغانی (معادل ۱۷۰ دالر امریکایی) می باشد در حالیکه عاید افغانان مقیم در شهر ها بلند تر است (۱۴۹۰۳ افغانی معادل ۲۶۱ دالر امریکایی).
- سطح عواید با میزان خوشی پاسخ دهنده گان یک ارتباط مستقیم را نشان می دهد. افغانانی که عاید بیشتر دارند متناسباً از خوش بودن بیشتر شان حکایت می کنند. اما زمانی که سطح عواید از ۴۰۰۰۰ افغانی (۷۰۰ دالر امریکایی) در یک ماه بالا می رود، این ارتباط دیگر قابل ملاحظه نیست.

## انکشاف و عرضه خدمات

- سروی از پاسخ دهنده گان خواست تا سطح دسترسی شان به اجناس و خدمات مختلف در محل زیست شان را ارزیابی کنند. بیشتر از نصف افغان ها از داشتن دسترسی خوب (اکثراً و همیشه) به معارف برای اطفال (۷۰,۸%)، آب آشامیدنی پاک (۶۹,۴%) و سرک ها (۵۰,۷%) گزارش می دهند. همچنان کمتر از نصف ایشان اذعان داشتند که به کلنیک ها و شفاخانه ها (۴۴,۴%)، دوا (۴۳,۴%)، آب برای آبیاری (۴۰,۱%) و انرژی برق (۳۶,۸%) دسترسی خوب دارند.
- زمانیکه راجع به میزان رضایت شان از کیفیت اجناس و خدمات مختلف در محل زیست شان سؤال شد، پاسخ دهنده گان بیشترین رضایت را از مساعد بودن زمینه تعلیم و تحصیل برای اطفال و آب آشامیدنی پاک نشان دادند (بالترتیب ۷۴,۳% و ۷۲,۹%) در حالیکه رضایت از تامین انرژی برق در پائین ترین سطح قرار دارد (۳۷,۹%). رضایت از تامین انرژی برق از سال ۲۰۱۳ (۴۰,۵%) الی سال ۲۰۱۴ (۳۷,۹%) تنزیل یافته است. به مرور زمان در عرصه رضایت از دسترسی به آب آشامیدنی پاک به مقایسه رضایت از سایر خدمات دست آورد های بیشتری حاصل شده اند.
- امسال، ۱%، ۶۴ افغانها می گویند که از شماری از پروژه های انکشافی در منطقه شان آگاهی دارند و دو پروژه عمده را که مکرراً نام می برند عبارت از پروژه های بازسازی یا اعمار سرک هاو پل ها (۳۶,۱%) و پروژه های آب آشامیدنی (۲۵,۶%) اند. افغانهای مقیم در منطقه مرکزی/ هزاره جات از پروژه های انکشافی جدید در منطقه شان کمتر آگاهی دارند (۴۳,۸%)، در حالیکه میزان آگاهی از پروژه های مذکور میان باشندگان منطقه جنوب غربی بیشتر است (۷۰,۵%).
- در سال ۲۰۱۴ پنج مشهور ترین کشور تمویل کننده پروژه های انکشافی ایالات متحده امریکا، وزارت های حکومت افغانستان، جاپان، هندوستان و آلمان بودند. شناخته شدن حکومت افغانستان به حیث تمویل کننده پروژه های انکشافی محلی از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۴ دوازده فیصد افزایش یافته است، که دلیل آن شاید کم شدن حجم مجموعی کمک های جامعه جهانی برای افغانستان و افزایش در مصرف شدن کمک های جامعه جهانی از طریق بودجه دولت افغانستان باشد. با این حال، بصورت کل یک فیصدی بلند جواب دهنده گان (۴۰,۷%) میگویند که نمیدانند پروژه های انکشافی را در محل شان کدام کشور تمویل کرده است.
- بیش از نصف پاسخ دهنده گان (۵۹,۱%) می گویند که هیچ وقت به مکتب نرفته اند. این مسئله در میان افغانهای روستا نشین (۶۵,۱%) نسبت به افغانهای شهر نشین (۴۰,۵%) بیشتر عمومیت دارد و نیز میان زنان (۷۴,۲%) نسبت به مردان (۴۲,۱%) بیشتر دیده می شود. از جمله تمام مناطق، منطقه مرکزی/ هزاره جات بیشترین تعداد پاسخ دهنده گان فاقد تحصیلات رسمی (۷۴,۹%) را دارا است در حالیکه حوزه مرکز/ کابل کمترین میزان پاسخ دهنده گان فاقد تحصیلات رسمی را دارد (۴۲,۲%). در مجموع، ۴۲,۰% افغانها می گویند که نوعی تعلیمات اسلامی مدرسه پی را حاصل کرده اند.
- از لحاظ نزدیک بودن به خدمات صحی اساسی، بیشتر از نصف افغانها (۵۷,۳%) می گویند که نزدیک ترین کلنیک یا شفاخانه از خانه شان ۳۰ دقیقه فاصله دارد. این در حالیست که ۶,۸% ایشان می گویند که یا در ساحه

بود و باش شان کلنیک و شفاخانه وجود ندارد و یا هم برای رسیدن به آن باید حدود سه ساعت سفر کنند. از پاسخ دهنده گان این سوال نیز مطرح شد که با استفاده از چه نوع وسیله نقلیه خود را به نزدیک ترین کلنیک یا شفاخانه می رسانند. حدود نصف پاسخ دهنده گان (۴۸,۷%) می گویند که با پای پیاده می روند، در حالیکه ۲۶,۴% شان می گویند که توسط موتر تیز رفتار و یا لاری و ۱۳,۵% شان با استفاده از موتر سایکل خود را به کلنیک یا شفاخانه میبرسانند. ولایات دارای طولانی ترین اوسط مسافه رفت آمد به مراکز صحت عبارتند از دایکندی (۱۱۹ دقیقه)، نورستان (۱۰۲ دقیقه) و غور (۸۷ دقیقه).

- از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که آیا در طول سال گذشته در قریه شان سیلاب، لغزش زمین، زلزله و یا برف کوچ را تجربه کرده اند یا خیر، و بعد از ایشان خواسته شد تا واکنش حکومت در قبال حوادث مذکور را ارزیابی کنند. کثیر الذکر ترین نوع حادثه طبیعی سیلاب بود (۲۶,۷%) که به تعقیب آن زلزله (۷,۲%)، لغزش زمین یا فرسایش خاک (۳,۹%) و برف کوچ ها (۳,۷%) قرار گرفتند. فیصدی کسانی که از واکنش حکومت در این زمینه اندکی یا بسیار راضی اند از ۴۱ فیصد تا ۴۶ فیصد میرسد، اما موضوع دلگرم کننده این است که این رضایت در ولایاتی بلند تر بود که از همچو حوادث متأثر شده بودند.

#### حکومتداری

- همه ساله سروی ایشیافونڈیشن برداشت های مردم را در پیوند با این موضوع که سطوح مختلف حکومت مسؤولیت های شان را چگونه انجام می دهند، به سنجش می گیرد. امسال ۷۵,۳% افغانها می گویند که حکومت مرکزی کار خود را تا حدی به خوبی و یا به بسیار خوبی انجام می دهد. حدود دو بر سوم حصه آنها می گویند که ادارات ولایتی کار های خود را به خوبی انجام می دهند (۶۷,۶%)، که به تعقیب آن شاروالی ها (۵۸,۵%) و ادارات ولسوالی ها (۵۶,۷%) قرار دارند. نظریات در سال ۲۰۱۴ در این زمینه با نظریات سال ۲۰۱۳ مشابهت زیاد دارند.
- حدود یک بر چهارم حصه افغانها می گویند که طی دو سال گذشته از والی ولایت مربوطه (۲۵,۸%) و یا یک عضو پارلمان (۲۵,۰%) جهت حل مشکلی که آنها را متأثر می ساخت درخواست کمک نموده اند.
- از میان ۲۲,۰% افغانهایی که با اعضای شورای ولایتی خود بمنظور درخواست کمک در طول دو سال گذشته تماس گرفته اند، ۷۲,۳% شان از نتیجه حاصله راضی بودند (اندکی راضی و یا هم خیلی راضی). مهمتر اینکه، در میان سطح رضایت مردان و زنان از نتیجه کسب شده تفاوت قابل توجهی وجود ندارد. با این حال، فیصدی رضایت از اجراء ادارات ولایتی در مناطق شمال غربی، جنوب غربی و حوزه مرکز / کابل افزایش یافته ولی این فیصدی در مناطق جنوب شرقی، غربی و مرکزی / هزاره جات نسبت به نتایج سال ۲۰۱۳ تفاوت چندانی ندارند.
- زمانیکه از پاسخ دهنده گان راجع به میزان اعتماد شان بالای نهاد های مختلف سؤال شد، برای دومین سال متوالی بلند ترین فیصدی افغانها بالای رسانه ها اظهار اعتماد نمودند (۷۲,۷%). قبل از سال ۲۰۱۳ بیشترین فیصدی

- افغانها بالای رهبران دینی اعتماد خود را ابراز میداشتند (۷۰,۰% در سال ۲۰۱۴). از جانب دیگر وزارت ها کمترین اعتماد مردم افغانستان را از آن خود کردند (۴۷,۳%).
- زمانیکه از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که آیا از نحوه کارایی دموکراسی در افغانستان راضی اند یا خیر، ۷۳,۱% شان در سال ۲۰۱۴ می گویند که تا حدی راضی ویا هم بسیار راضی اند، در حالیکه ۲۵,۹% بیان میدارند که تا حدی ناراضی ویا هم بسیار ناراضی اند، و ۱,۰% هم می گویند که در این چیزی نمی دانند. به مرور زمان دیده می شود که گزارش های رضایت از دموکراسی یک منحنی دارای شکل حرف U را تعقیب می کند چنانچه نقطه سفلی آن با سال ۲۰۰۸ تصادف نموده و پس از آن به صورت تدریجی یک سیر صعودی را پیموده است.
  - بسیاری از افغانها از فساد به حیث یک مشکل بزرگ از ۵۳,۳% به سطح محلی شروع الی ۷۵,۷% در تمام کشور در عرصه های مختلف نام می برند. نکته مهم در این مورد این است که تمام مقیاس های دراز مدت مربوط به برداشت ها از فساد و مواجه شدن با آن از شروع سروی تا حال بلند رفته اند. میزان پنداشتن فساد به حیث یک مشکل بزرگ در زنده گی روزمره از سال ۲۰۱۳ (۵۵,۷%) الی سال ۲۰۱۴ (۶۲,۴%) به سرعت بالا رفته است. افغانهای مقیم در مناطق جنوب شرقی و شرقی بیشتر به این باور اند که فساد در زنده گی روزمره آنها یک مشکل (خواه بزرگ یا کوچک) تلقی می گردد.
  - زمانی که از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که به چه مراتب به مقامات در شرایط مختلف رشوه یا تحفه داده ویا در حق آنها لطفی کرده اند، ۵۷,۶% افغانها در سال ۲۰۱۴ می گویند که آنها حین مقابل شدن با حد اقل یک مقام ویا دست کم در یک وضعیت در طول سال گذشته با فساد روبرو گردیدند. بیشتر از نیم افغانها (۵۴,۷%) که با قوه قضائیه یا محاکم در طی سال گذشته سروکار پیدا کرده بودند می گویند که مجبور شدند تا یا رشوه بدهند، یا تحفه رد و بدل کنند ویا هم لطفی را در حق شان بکنند. تقریباً به همین فیصدی افغانها (۵۵,۱%) حین مرادده با مقامات شاروالی ویا مقامات ادارات ولسوالی ها فساد را تجربه کرده اند. تجربه فساد بالای برداشت ها و اعتماد افغانها بالای نهاد های مختلف دولتی اثرات منفی دارد.
  - تقریباً از هر پنج پاسخ دهنده یکی (۱۹,۱%) می گوید که دعوی شان را جهت حل و فصل به مرجع حل و فصل دعاوی برده اند، و اکثریت قاطع (۸۰,۷%) افغانها می گویند که از نتایج آن راضی بودند. تقریباً نصف دعاوی مذکور (۴۲,۳%) دعاوی زمین بوده اند.
  - اهالی مناطق روستایی نسبت به شهر نشینان بیشتر مایل بودند تا منازعات شان را به جرگه ها/شورا ها راجع سازند (۴۴,۸% در مقابل ۲۵,۸%) و کمتر مایل بودند تا از محاکم دولتی بدین منظور استفاده کنند (۳۸,۲% در مقابل ۶۱,۹%).
  - از افغانها پرسیده شد که آیا به نظر آنها ریاست حقوق، محاکم دولتی، و جرگه ها/شورا ها عادل و قابل اعتماد هستند، عادات و ارزش های محلی پیروی می کنند، در تأمین عدالت مؤثر اند و قضایا را به سرعت حل و فصل می کنند یا خیر؟ در هر یکی از موارد فوق تعداد بیشتری از افغانها فکر می کنند که این جرگه ها/شورا ها اند که از این کوایف برخوردار اند؛ ریاست حقوق در جایگاه دوم قرار گرفت و جایگاه بعدی را محاکم دولتی احراز کردند.



## مشارکت سیاسی

- در سال ۲۰۱۴، ۶۷،۴٪ افغانهایی که سروی شدند اظهار داشتند که حین ابراز نظریات شان راجع به دولت در محضر عام تاحدی ویا هم کاملاً احساس مصئونیت می کنند. باشندگان ولایت های پروان (۹۴،۳٪)، پنجشیر (۹۱،۹٪) و سمنگان (۸۶،۰٪) بیشتر فکر می کردند که هرگاه از دولت انتقاد کنند مصئون خواهند بود. ولایاتی که باشندگان آنها در این مورد کمترین احساس مصئونیت را دارند عبارتند از ارزگان (۴۳،۹٪)، غور (۴۹،۲٪)، هرات (۵۱،۳٪) و زابل (۵۱،۹٪). افغانهای مسکون در شهرها (۷۶،۲٪) نسبت به باشندگان دهات (۶۴،۵٪) حین انتقاد از حکومت در محضر عام بیشتر احساس مصئونیت می کنند.
- فیصدی افغانهایی که می گویند حین اشتراک در انتخابات (۴۵،۸٪) در سال ۲۰۱۴ احساس ترس می کردند نسبت به سال ۲۰۱۳ (۵۷،۲٪) در حد قابل ملاحظه پائین است. مردم از دخیل شدن در سایر فعالیت های سیاسی مانند اشتراک در تظاهرات صلح آمیز (۶۹،۴٪) و کاندیداتوری به پست های دولتی (۷۰،۸٪) بیشتر هراس دارند. از میان این سه نوع فعالیت، هراس از رای دهی در انتخابات بیشترین نوسانات را در مناطق مختلف کشور داشت چنانچه این هراس نزد ۶۱،۰٪ فیصد باشندگان مناطق جنوب شرقی و صرف نزد ۳۱،۶٪ اهالی حوزه مرکز/ کابل وجود داشت. مردم مناطق غربی (۷۸،۴٪) بیشترین هراس و در منطقه مرکزی/ هزاره جات (۵۰،۴٪) کمترین هراس را از اشتراک در تظاهرات صلح آمیز داشتند.
- زمانیکه از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که به نظر شان آیا آنها می توانند تصامیم دولت را تحت نفوذ قرار دهند، ۵۵،۹٪ شان گفتند که تصامیم دولت را اندکی ویا هم زیاد تحت نفوذ قرار داده می توانند، که این فیصدی نسبت به سال ۲۰۱۳ که در آن ۴۷،۹٪ مردم به این نظر بودند افزایش یافته است. مردم در ولایت ننگرهار (۸۱،۱٪)، کندز (۷۷،۴٪)، سمنگان (۷۶،۰٪) و کندهار (۷۳،۶٪) بیشتر به این نظر اند که بالای تصامیم حکومت های محلی شان تاثیر گذار اند.
- حدود دو بر سوم حصه افغانها (۶۴،۹٪) می گویند که رهبران دینی باید در سیاست دخیل باشند، که نسبت به ۵۸،۱٪ در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. بیشترین افزایش به سطح مناطق در شرق و جنوب غرب کشور دیده می شود در حالیکه فیصدی افغانان در حوزه مرکز/ کابل که می گویند رهبران دینی باید در این عرصه دخیل باشند کاهش یافته است.
- اکثریت پاسخ دهنده گان (۸۵،۹٪) بدین باور اند که هر کس باید خودش رای خود را استعمال کند، قطع نظر از اینکه بزرگان محلی چی فکر می کنند. در این پاسخ به اساس سن، جنس یا قوم تفاوت های آنچنانی وجود نداشت.
- زمانی که از پرسیده شد که طبقه اناث چگونه در حصه رای خود تصمیم بگیرند، ۵۶،۰٪ افغانها گفتند که زنان باید در مورد اینکه به کی رای بدهند مستقلانه تصمیم بگیرند و ۲۵،۶٪ شان می گویند که زنان باید خود شان تصمیم بگیرند اما در مشورت با مردان. تعداد بیشتری از افغانهای شهر نشین (۶۸،۲٪) نسبت به افغانهای روستا نشین (۵۲،۱٪) می گویند که زنان باید خود شان این تصمیم را اتخاذ نمایند. پشتون ها (۲۰،۸٪) بیشتر اعتقاد بر این داشتند که مردان باید برای زنان تصمیم بگیرند، در حالیکه ۱۴،۷٪ تاجک ها، ۱۳،۸٪ ازبک ها و ۱۳،۲٪ هزاره ها از این مفکوره پشتیبانی می کردند.

- در مورد انتخابات سال ۲۰۱۴ ریاست جمهوری افغانستان، از هر سه تن افغانان یکی شان (۳۳,۵%) گفتند که برای کسب معلومات در مورد کاندیدان و اتخاذ این تصمیم که به کی باید رای بدهند عمدتاً بالای رسانه ها (به شمول تلویزیون، رادیو و انترنت) اتکا داشتند. یک سوم حصه دیگر (۳۹,۳%) خاطر نشان ساختند که بدین منظور از خانواده و دوستان شان معلومات گرفتند، به همین ترتیب ۱۱,۸% از طریق شورا های محلی و ۱۰,۰% از مساجد این معلومات را حاصل کردند.
- در نتیجه این سروی میرهن گشت که مسئله قومی نسبت به سایر عوامل بالای انتخاب رای دهنده گان تاثیر بیشتر داشت. زمانیکه مستقیماً پرسیده شد، افغانها گفتند که رای دادن به یک کاندید از قوم دیگر به عوض کاندید قوم خود را نیز در محاسبه شان شامل میدانند. اما در انتخابات سال ۲۰۱۴ بسیاری از افغانها این را نیز گفتند که به کاندید قوم خود شان رای دادند.
- بیشتر از نیم افغانها (۶۱,۶%) که سروی شدند گفتند که تا حدی ویا بسیار از ناحیه تهدید های امنیتی در جریان انتخابات نگران بودند، که البته باشندگان منطقه جنوب غربی (۶۷,۹%) بیشترین نگرانی و مردم منطقه مرکزی/ هزاره جات (۴۴,۵%) کمترین هراس را داشتند. زنان (۲۴,۲%) نسبت به مردان (۱۸,۶%) بیشتر اظهار نگرانی کردند.
- از میان افغانانی که می گویند در دور اول انتخابات رای ندادند، ۳۲,۲% شان می گویند دلیل اش این بود که کارت رای دهی نداشتند، ۱۸,۰% شان گفتند فامیل شان برایشان اجازه رای دهی ندادند، و ۱۱,۶% شان گفتند که به سبب نا امنی رای ندادند. افغانها برای اشتراک نکردن شان در دور دوم انتخابات نیز عین دلایل را ارائه کردند.
- زمانیکه فوراً پس از سپری شدن دور دوم انتخابات از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که آیا انتخابات آزاد و عادلانه بود یا خیر، ۶۳,۳% افغانها با کلمه "بلی" جواب دادند. کسانی که فکر میکنند این انتخابات آزاد و عادلانه نبود دلایل این طرز تفکر شان را باز نبودن محلات رای دهی در مناطق شان (۴۷,۸%)، کمبود برگه های رای دهی (۴۷,۸%)، و این باور که شمارش آرا به گونه غیر صادقانه انجام شد (۴۵,۵%) تشکیل می دهند.
- زمانیکه از پاسخ دهنده گان راجع به میزان اعتماد شان بالای کمیسیون مستقل انتخابات در انجام وظایف آن پرسیده شد (سوالی که در مورد تعداد زیادی از سایر نهاد ها هم صدق می کرد، فوقاً به بخش حکومتداری مراجعه کنید)، ۶۶,۴% شان گفتند که بالای کمیسیون مستقل انتخابات به اندازه متوسط ویا هم زیاد باور دارند.
- حدود دو بر سوم حصه افغانها (۶۴,۰%) می گویند که به نظر آنها نتایج انتخابات ریاست جمهوری زنده گی آنها را بهتر خواهد ساخت، که نسبت به ۵۶,۴% سال ۲۰۱۳ افزایش قابل ملاحظه را نشان می دهد. مردان (۶۸,۵%) نسبت به زنان (۶۰,۱%) اندکی بیشتر باورمند اند که نتایج انتخابات زنده گی شان را بهتر خواهد ساخت.

#### دسترسی به اطلاعات

- به سان سالهای گذشته، در سال ۲۰۱۴ نیز رادیو (۷۷,۴%) کثیر الاستفاده ترین منبع برای دریافت اخبار و اطلاعات است که به تعقیب آن بالترتیب تلویزیون (۵۸,۴%)، تلفون های همراه (۴۸,۱%)، مساجد (۴۶,۹%)، شورا های محلی (۳۶,۴%) و انترنت (۵,۶%) قرار دارند. به مقایسه سال ۲۰۱۳، اتکا بر رادیو و تلفون های

همراه به حیث منبع اصلی خبرها و اطلاعات هم در شهرها و هم در دهات کاهش قابل ملاحظه داشته است که علت آن تا حد زیادی گسترش سایر امکانات مانند تلویزیون و اینترنت شمرده می شود. در دهات، اتکا بر تلویزیون و تلفون های همراه به مقایسه شهرها کمتر معمول است در حالیکه مساجد و شورا های محلی به مقایسه مناطق شهری بیشتر معمول اند.

- مالکیت تلویزیون از ۳۶,۹% در سال ۲۰۰۷ به ۵۸,۳% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. این در حالیست که استفاده از تلویزیون به حیث منبع خبرها و اطلاعات از ۵۴,۸% در سال ۲۰۱۳ به ۵۸,۴% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. استفاده از اینترنت نیز از ۳,۲% در سال ۲۰۱۳ به ۵,۶% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته و در مناطق شهری در طول سال گذشته دوچندان گردیده است.
- هرچند استفاده از رسانه ها شاید بصورت مستقیم باعث اشتراک مردم در رای دهی نگردد، اما تعداد بیشتر افغانهایی که می گویند برای کسب اخبار و اطلاعات از تلویزیون و رادیو استفاده می کنند به مقایسه کسانی که از این دو منبع اطلاعاتی استفاده نمی کنند در دور اول انتخابات ریاست جمهوری رای داده بودند.
- افغانهایی که برای کسب اطلاعات از تلویزیون و شورا های انکشافی استفاده می کنند کمتر با مخالفان مسلح دولت ابراز همدردی می کنند. برعکس، کسانی که از رادیو، تلفون های همراه و مساجد به حیث منابع اولیه خبرها و اطلاعات استفاده می کنند بیشتر با مخالفان مسلح دولت همدردی نشان می دهند. این یافته حتی پس از کنترل از نظر منطقه و سایر فکتور های دیموگرافیک نیز به حال خود باقی مانده است.
- پاسخ دهنده گانی که برای کسب اطلاعات و خبرها تلویزیون را به کار می برند بیشتر به این عقیده اند که زنان باید در تحصیل با مردان حقوق مساوی داشته باشند (حتی پس از کنترل از نظر فکتور هایی مانند جنس، تحصیل و منطقه).

### زنان در جامعه

- صرف ۱۹,۲% تمام افغانها می گویند از موجودیت سازمان، نهاد یا مرجعی که زنان می توانند از آن برای حل مشکلات خود طلب کمک نمایند، خبر دارند. از میان آنهایی که از موجودیت چنین مرجعی آگاهی دارند، ۴۴,۴% شان از ریاست امور زنان، ۱۳,۷% شان از کمیسیون حقوق بشر و ۱۲,۳% شان از دفتر مقام ولسوالی نام می برند.
- زمانی که از زنان افغان پرسیده شد که برای حل مشکلات خانواده گی شان به کی مراجعه می کنند، ۲۹,۵% شان گفتند که از خانواده و دوستان کمک مطالبه می کنند، و به تعقیب آن بزرگان جرگه محلی (۱۵,۰%) و ملک/خان محل (۱۰,۹%) را یاد نمودند.
- اندکی بیشتر از نصف پاسخ دهنده گان (۵۲,۵%) می گویند که محاکم دولتی با مردان و زنان بصورت یکسان رفتار می کنند. تعداد زیادی از کسانی که دعوی خود را به شورا/جرگه راجع ساخته بودند (۶۴,۵%) طرفدار این مفکوره اند که باید شوراها/جرگه های اختصاصی زنان ایجاد گردند. این مفکوره در میان زنان نسبت به مردان طرفداران زیادی داشت.

- بیش از دو بر سوم حصه (۶۹,۷%) زنانی که سروی شدند می گویند که در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ رای دادند، در حالی که ۴۳,۴% زنان می گویند که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ رای داده بودند. از میان افغانهایی که می گویند در دور اول انتخابات رای ندادند مخالفت اعضای خانواده دلیلی بود که از جانب زنان نسبت به مردان بیشتر ارائه گردید.
- امسال برای اولین بار تعداد افغانهایی که می گویند پست های سیاسی حکومت باید بیشتر در اختیار مردان قرار بگیرند (۴۶,۱%) از تعداد کسانی که می گویند پست های سیاسی باید بصورت مساویانه میان مردان و زنان تقسیم شوند (۴۲,۱%) پیشی جسته است. از نظر منطوقی افغانان مقیم در مناطق جنوب غربی بیشتر (۵۹,۹%) به این نظر اند که پست های سیاسی باید در اختیار مردان قرار داده شوند، در حالیکه افغانان مسکون در مناطق مرکزی/ هزاره جات (۵۹,۳%) بیشتر به این نظر اند که پست های سیاسی باید میان مردان و زنان بصورت مساویانه تقسیم شوند.
- علاوه بر موانع مذکور که در قبال مشارکت سیاسی زنان وجود دارند، فیصدی زنانی که می گویند احساس می کنند می توانند بالای تصامیم دولت اثر گذار باشند از ۴۱,۲% در سال ۲۰۱۳ به ۵۲,۲% در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. عین گرایش در قسمت انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ نیز دیده می شود که در مورد آن ۶۰,۵% زنان به این باور اند که انتخابات مذکور باعث بهبود وضعیت زنده گی شان خواهد گردید. این ارقام نسبت به ارقام حاصله از سروی در سال ۲۰۱۳ (۵۴,۰%) بطور قابل ملاحظه بالاتر اند.
- در سروی امسال از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که آیا زنان باید از عین فرصت های تحصیلی مانند مردان در سطوح مختلف و ساحات مختلف برخوردار باشند یا خیر. برای تعلیم و تحصیل اسلامی زنان در مدرسه ها (۹۲,۳%)، مکاتب ابتدائیه (۸۳,۹%)، لیسه ها (۸۲,۰%) و پوهنتون ها در ولایت مربوطه شان (۷۱,۹%) حمایت قوی وجود داشته اما در حصه تحصیل زنان در ولایت دیگر (۴۵,۲%) ویا رفتن به خارج از طریق بورس تحصیلی (۳۳,۴%) حمایت چندانی وجود ندارد.
- حدود دو بر سوم حصه افغانها (۶۷,۸%) می گویند که زنان باید قادر باشند تا در خارج از خانه کار کنند. امسال از پاسخ دهنده گان پرسیده شد که آیا با این نظر موافق اند یا خیر که زنان باید در یک محیط کاری مشخص کار کنند. مکاتب پذیرفتنی ترین نوع محیط کاری برای زنان قلمداد گردیدند (۸۳,۶% افغانها موافق)، که به تعقیب آن شفاخانه ها یا کلنیک ها (۸۰,۸%) و دفاتر حکومتی (۷۰,۰%) قرار گرفتند. نظر مثبت در حصه استخدام زنان در صفوف پولیس یا اردوی ملی (۴۱,۹%) و مؤسسات غیر حکومتی (۴۰,۹%) کمتر بود.
- در کل، ۷۹,۱% افغانها می گویند که با بد دادن زنان مخالف اند. اختلاف نظر در این مورد میان پاسخ های مردان و زنان در حد اصغری قرار داشت. بیشترین تعداد افغانانی که می گویند با بد دادن موافق اند در مناطق جنوب غربی کشور زنده گی می کنند.
- در پاسخ به این سوال که آیا بدل میان خانواده ها قابل قبول است یا خیر، ۶۲,۸% افغانها می گویند که با بدل مخالف اند و زنان نسبت به مردان بیشتر مخالفت نشان می دهند (۶۴,۷% در مقابل ۶۰,۶%). افغانان در مناطق

جنوب شرقی و جنوب غربی کشور، که اکثریت شان روستایی هستند، نسبت به اهالی تمام مناطق دیگر بیشتر با این عملکرد موافق اند.

- به سطح کشور، ۸۷,۳% افغانها تا حدی و یا جداً با حق میراث دختران موافق اند.